



حقیقت انقلاب ثور

ادگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

پنجشنبه ۱۷ جنوری ۱۳۶۹
Jan. 7, 1988.
سال هشتم شماره ۶۰
شماره مسلسل ۱۹۶۰
سال ۱۲ سپه ۱۳۵۹

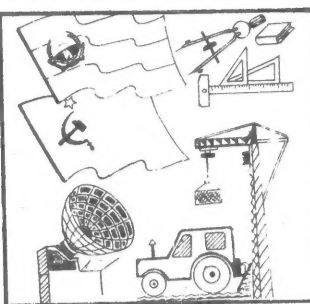
راه به سوی مصالحه ملی در افغانستان باز است

مصاحبه رفیق شیوارد نادر عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و وزیر امور خارجه آن کشور با ژانسی اطلاعاتی باختری

سوال : رفیق م. س. گریچف و رفیق نجیب الله در خزان سال ۱۹۸۶ شروع شده است. به تحقق سیاست ملی در افغانستان که ما از آن سیاست پشتیبانی می‌کنیم و به موافقت کامل آن آرزو مندیم ارتباط دارد. به وارد شدن مذاکرات

پاسخ : به من حله نوین درمناسبات شوروی و افغان که با ملاقات رهبران دو کشور مان یمنی

رفیق م. س. گریچف و رفیق نجیب الله در خزان سال ۱۹۸۶ شروع شده است. به تحقق سیاست ملی در افغانستان که ما از آن سیاست پشتیبانی می‌کنیم و به موافقت کامل آن آرزو مندیم ارتباط دارد. به وارد شدن مذاکرات



دوستی افغان-شوروی
وی خلیل نادر است

عزیمت رفیق شیوارد نادر از کابل

دیروز رفیق شیوارد نادر عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و وزیر امور خارجه آن کشور به وطن عزیز افغانستان بازگشت. در میدان هوایی بین المللی کابل رفیق سلطان علی کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ج. د. خ. و ۱. و صدراعظم جمهوری افغانستان و سایر شخصیت های رسمی بایو وداع نمودند.

رفیق پاول پتروویچ موزایف سفیر و نماینده فوق العاده اتحاد جماهیر شوروی سو - سیالستی در جمهوری افغان - نستان هنگام وداع حاضر بود.

رفیق شیوارد نادر عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و وزیر امور خارجه اتحاد شوروی و جهت بازدید کاری در ۴ الی ۶ جنوری سال جاری اقامت داشتند.

رفیق شیوارد نادر در دوازده روزی که در کابل اقامت داشت، با رفیق نجیب الله منشی عمومی کمیته مرکزی ج. د. خ. و رئیس جمهور افغانستان ملاقات نموده و تشریفات گرم و بهترین آرزوها را از جانب رفیق م. س. گریچف و منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و وزیر امور خارجه آن کشور به وطن عزیز افغانستان بازگشت.

هشتمین قطار اکمالاتی وارد خوست شد

هشتمین کاروان شامل دو - صلو هشتاد ونه واسطه نقلیه حامل (۲۳۳۷) تن مواد اولیه و بر رسی قرار گرفت. در این رابطه ضرورت پیدا یی هر چه زود تر اشکال و شیوه های جدید و تمرینش همکاری های بین دو کشور خاطر نشان گردید.

خاطر نشان شد که در وقت اخیر احجام همکاری شوروی افغان تا حدود زیاد افزایش یافته است و یک سلسله تأسیسات صنعتی مهم در مرحله به کار انداختن میباشند. همکاری تجاری و اقتصادی با متشخصین خصوصاً افغانی رو به راه میشود. توافق در مورد فعال ساختن همکاری بین موسسات علمی، سازمان های اجتماعی و فرهنگی حاصل شده است.

باز گشت به وطن

یکصد و چهل و شش فامیل شامل نهند و بیست تن از هموطنان ما که از مریوز - طات ولایت هرات، تنگر هار، بلخ، زابل و سمنگان به ایران و پاکستان رفته بودند، دیروز به پرواز به وطن بازگشتند. با این هموطنان مامسان عدت های لازم صورت گرفته و متقاضیان محلات مسکونی شان در ولایات متذکره انتقال داده شد.

اعلام منطقه صلح

به سلسله اهداف منشی مصالحه ملی در محلات کشور، ولسوالی ده سبز و لایت کابل دیروز با تدویر جریگه صلح آن ولسوالی به حیث منطقه صلح اعلام گردید.

باختری (۲ ص)

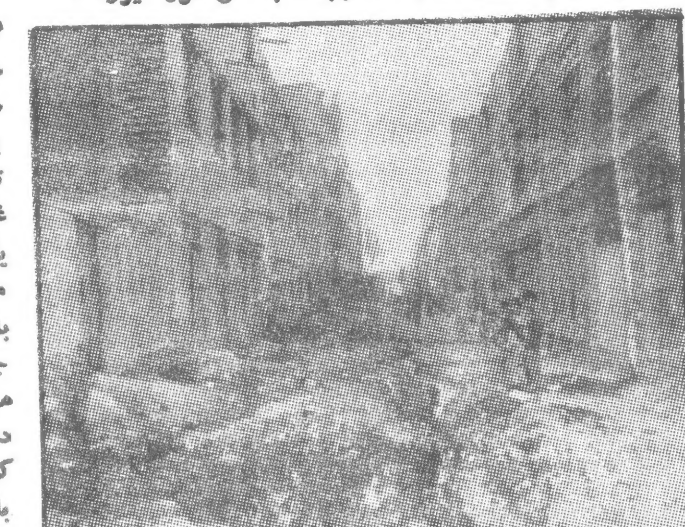
شهر کهنه کابل سخن میگوید:

از دیروز تا امروز
در دلدل باشندگان کوچه ها و پس کوچه ها

شلاق زمان یکی بعد از دیگری از پای می افتند و بعد از صبح به زباله دانی تبدیل میشوند. اکنون شهر کهنه به پیر می ریش و از کار افتاده تبدیل شده که هیچکس دست معینی بر آن نمی کشد. محله های باخانه های در حال فروپاشی، محله ای خفته در میان تلی از زباله که عمر برخی از این تسلی ها بنا بر روایت اهالی عمری تاریخی است. از اسب خیال که پایین می آید و قدم در نخستین کوچه می نهی. گل ولای سیاه و تافتن تا بالای پهلک پایت را در خود می گرد و ترس از افتادن در میان کدام گودال تر از خیال پردازی دور میساند. حال که میفرمایم با قسم های واقعی یکبار دیگر طول عرض این محله را طری کنیم، بگذار که از دروازه لاهوری یا بقول معروف «وان لاهوری» آغاز کنیم. تمام کوچه از گال سخت و چسبناکی که علاقه عجیبی به مردم دارد پوشیده شده است. از تفتاع گل ولای در برخی از نقاط کوچه تابالای پهلک پامی رسد و زباله از همان آغاز راه پنهان



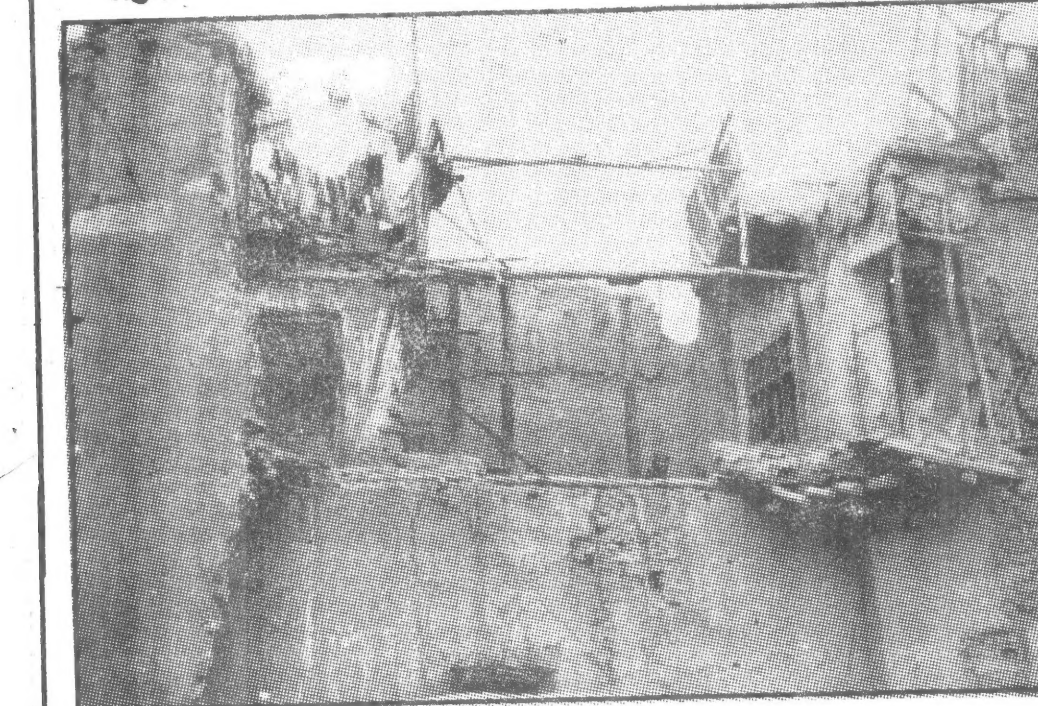
پس کوچه های که با هاتا بجلک به گل فرو میروند.



زباله ها و کثافات نمای طبیعی کوچه ها است.

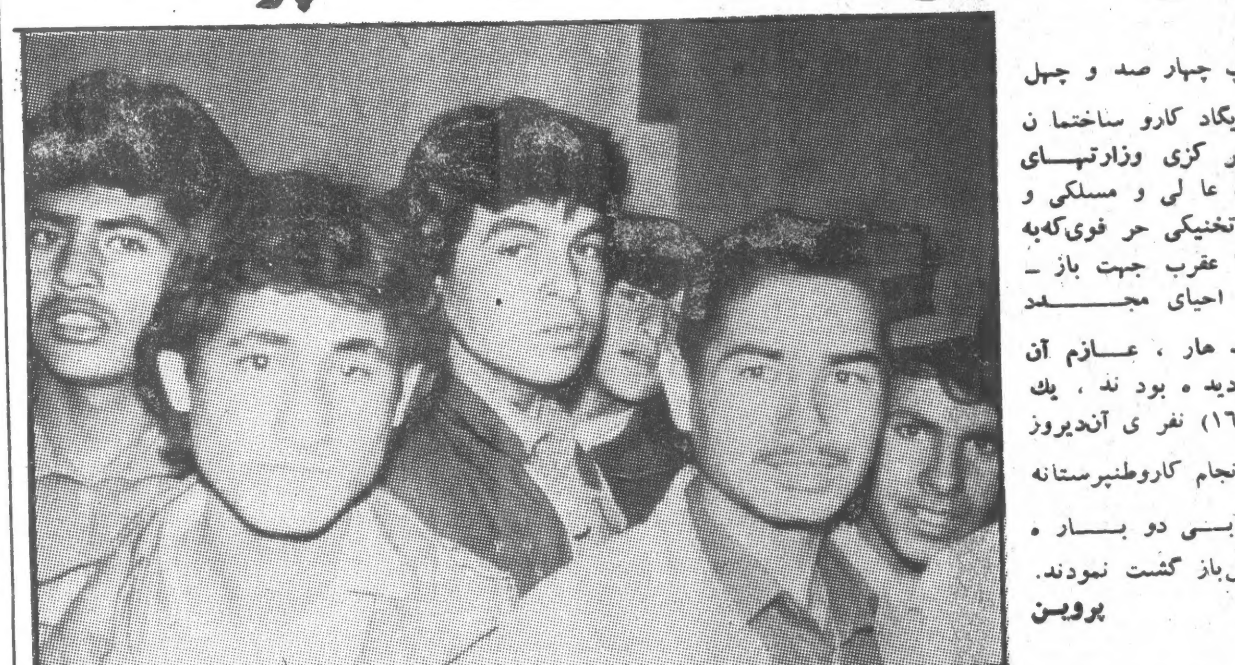
منظره ای آشنا و طبیعی بطور مرتب در شکلهای گوناگون به چشم میخورد، گاه پرده نادهانه یک موتو شورولیت غرضه و گاه چپ شده دو کله یک کوچه که ارتقا عش به یک هت رنیز میرسد. کثافات بفرست ها قدم بقم به جویهای پر شده کنار کوچه ها سر میکنند و آنکه در یک شیب کوتاه و پوسیده کوچه سرانیز می گردند. باران و بادل و لای در هم می آمیزد و تمام محله را پنهان

(۲ ص)



اکنون شهر کهنه به پیر می ریش و از کار افتاده است. عکاسی شیر شاه ابرو

پس از اجرای کارهای وطنپرستانه



گروپ چهار صد و چهل نفری بریگاد کارو ساختمانی اپراتور کزی وزارت های تحصیلات عالی و مسلکی و تعلیمات تخنیکي حر فوی که به تاریخ ۲۵ عقرب جهت باز سازی و احیای مجسمه شهر کندهار، عازم آن ولایت گردیده بودند. یک گروپ (۱۶۰) نفری از دیپروز پس از انجام کارو وطنپرستانه و انقلابی دو بسار به کابل باز گشت نمودند. پروین

بیاید همه با هم بخاطر تحقق منشی انسانی مصالحه ملی عمل نماییم!

خبرهای رسمی



حیدر خاں جی، واقعاتِ ہما، حوادث

(بقیہ ص اول)

می کشند و آنگاه کود کان
خرد سالی که در میان این
آلودگی می گردند ، همدیگر
وادنبال میکنند ، به زمین می
افتند و گل آلود از زمین بر
میخیزند ، کوجه ها پوشیده
از گل ولای و انباشته از جمعیتی
است که در میان می می لولند
و زنی که کودکی چند ماهه را
در بغل دارد و در حال حرکت
است پیروم : خواهر ! حاضر
هستی که برایش از مسایل
و مشکلات زندگی در این محله
بگوئی ، نگاه کنایه و میگوید :
قلمو غافتمی اندازد و میگوید :
شما اذول قوتان گیمید .

مشکلم اینست که با این طفلان سالم بخانه برسم و در میان این گل و چمنی نیغم ، شما راجه به مشکل ما ؟ و زنی دیگری که جادری گفته یی برسردارد میگو ید: آغا جان اگر واقعا میخواهد بنویسید و برود ما یم رسیدگی کنید من می توانم هر قدر که دلتان بخواهد برایتان از مشکلات این محله وزندهگی خود ما ن بگویم و مرعیان سالی از آن میانه میگوید : ((آنچه که عیان هست چه حاجت به بیان است)) فقط یک ساعت آمهاند محله ما تا گزارش تهیه کنند، پهنید تا کجا درگل ولای مانده اند، و زنی ادامه میدهد: برادر بنویس ، تا م را پچه است ، شوهرم سرباز است ۶ اولاد دارم کلانشان ۴ اساله است صنف ۶ مکتب ، خانه ماشیه قوطی گوگرد است با

هربادگان میخورد و هر باران که می بارد من فکر میکنم ، هم اکنون این خانه خراب می شود. باران نعمت است ، اما بعضی مواقع کز این بادشود من از این نعمت خدایی ترسم و تاصبح همین طور بیقرار خواب می مانم . تابستان بقدری بوی ، تمغن ، مگس و پشه در این محله زیاد است که نمیتوان نفس کشید و خواب کرد و زمستان کز لای و گلاب برویتان خاک انگفت ، بدردت نگاه کنید . ببینید بچه های ما کجا بزرگ میشوند . هر بار که باران می آید ، برف می آید تا زانو غرق در گسل میشود . باور کنید ۶ او لاد دارم و زمستان با این کعبود کعبود زغالن مجبور من هر روز لباسهای چتل شده آنها را

بشورم روزی نیست که یکی
دوایشان در میان این چتلی
ها نیفتند. من نمی توانم تمام
مشکلات خودمان را بگویم، هر
روز من و **مسی**، اگر نمی دو
دایم و **داکتر** اصلاً پدرن طفل
مریض از این جاتا شفا خانه
یکدنیا مشکل است. اگرزنی
بخوادد در این روز حافظ
بدنیا بیاورد خط میلاند چه
قدر برایش مشکل خواهدبود.
مازنده گیان دیگرچشمشکلات
نیست. روزی، ۸۰رویه(افغانی)
درآمد داریم که تنها کفایت یکرور
نان وچای رامیکند، غربی است
غربی!

می پرس سم: اینجا وضع برق چطور است؟ میگوید: برق اینجا کاری ندارد، یگان وقت می آید و می رود. و مردی که در کتاری استفاده خنده ای میکند و میگوید: یلتر و برق را دیدم. سلام کردم و گفتم که جاعستی بیاد که در کت نیست بیا کمروی ماهست را ببینم! برق خنده ای کرد و گفت: تو کجاهستی؟ چرا این همه خراب میکنی؟ من هزوفت که برای دیدن شما می آیم همگی خواب هستید! گفتیم: چرا سرشبنمی آیی؟ گفت: سرشبنب و تمام روز در وزیر اکبرخان، شهرنو و وگرویان مصروفم، مرا چه شهر کنه؟ آنجا خوب، اگر مرا حاست مرا چه به ساین که نه ای کنه به این جملگی می خندند. میپرسم



شالان کوجه‌ها حتی تاداهانه موتر تخریب شده نیز سرایت نموده است .

نامت چیست ؟ نظر محمد کارگر .
میگویند بنویسید که «اینجا نه
برق است و نه سرک آبرو
است، نه جغل اندازی میشود،
نه پیسه است و نه ... و نه...
نه ...» بطرف کودکی
میرود و قسمت او را
میکرد، جلو تر می آورد
میگوید: ((حال که ادعا میکنی
همه چیز را میخواهی بنویسی
نام این طفل عبدالصواب است.
چاره را دراز اند، قد و نیم قد .
پدرشان شعیب شده، مادرشان
کارگر نساجی بگرمای است، این
اطفال از صبح در این گوه های
های پر از گل در گرما و
سرما تاشام میکردند و حتی
نان چاشت هم نمی خوردند .))
طفل مصرومانه در جیره ۱۰
خیبره شده است . روش
پوشیده از زخم است. میگویم:
«عبدالصواب جان چرا دروخانه

هیچکس از مسوولان گذر ش
به این قسمت قدیمی کا
نمی افتد و اینجا زباله ها
است که عمر شان از عمر
زیادتر است، صدبار خاک
و باز جمع گردیده است (ب
دست به انتباهی که چه
میدان گاهی است) شاره میکند
(این جا قبلا چند خانه بود.
همگی خراب شده اند و این
تپه ها پوشیده از
گشادات بجای آنها سر
برآورده و اکنون سالها ست
که اینجا محل ریختن زباله
های مردم شده البته محل
بازی بیشتر اطفال نیز هست،
اینجا یغالك عصری اطفال
است)). مرعی دیگر میگو ید:
برادر بنویس چند کلبه هم
از من بنویس : (نام مجید
رونی است مدیر متقاعد وزارت
مخابرات ، حال بحث دکانراست

A black and white photograph showing a person in a dark, textured environment, possibly a cave or tunnel. The person is wearing a dark jacket and a light-colored shirt. A large, light-colored object, possibly a rock or a piece of equipment, is in the foreground. The image is grainy and has a high-contrast, almost abstract quality.

او پس کوچه های شهر گننه
اینجا کار میکنم . بعد از سی
سال کار اینجا با چند سر
عائله دو اتاق دارم که از اقوام
است ، از خودم خانه ندارم
اینجا محل بود و باش مردم غریب
است که در تمام روز در این
دکان بیشتر از ۴۰۰ تا ۵۰۰
افغانی خرید و فروش نمی
شود . اینجا سابقه بسیار
تاریخی دارد اما حال پر این
روز افتاده من نمی گویم که
اینجا را اعمار کنند ، اما لاقول
یک آب رو بکشند . لاقول شب
به مردم برق بدهند تعدادن
های آب را زیاد تر بکنند .
نمی گویم هر روزی نمی گویم هر

هفته اواخر سال ی یکبار این
 کتابها را از این محل برویند
 آخر زنده گی حیضطور میباشد؟
 پس این مسوولان شاروالی
 چه میکنند؟
 مردی دستم را کش کردید
 میگوید: ((برفتد خواهی میکنم
 یک نگاهی به خانه من بماند
 تا خوب بفهمی که ما چس میگویم
 وجه می کشیم)) و مرا از اطاق
 بلند و تاریکی عبور میدهد و
 وارد حویلی با اندازه کجاست
 می کند چند چهره کودک که نه
 پشت کلکین های تنها اتاق
 خانه با چشم های پر تعجب
 بیا می نگرند ، می گوید :
 ((این خانه سه اتاق دارد یکی
 شکست کرده و قابل استفاده
 نیست مادریك اطاقی همراه
 کل فامیل زندگی میکنند و
 اتاق دیگر نیز پسر کاکایم
 در تقسیم به اشاره به حمام

میگوید: ((اینرا بیا طس
اینکه در حویلی آب جمع نشود
بم دست خود کنده ام،
چاره چیست میفا نم
که باعث میشود آن دو فراق
دیگر نیز بایه ها پیش شکست
بردارد. اما اگر این کار را
نمی کردم آب تازه تر بالا می
آمد.)) اضافه میکند: دریانای
وحنی و تمییرا تی مامور است
نامش بسم الله است با ۲۷۰۰
افغانی معاش و ع سر عایله .
خانانه بیرونی می آیم جمعیت
احا طه می میکند. کسی
سختن میگوید: یکی دستم
را کش می کند که خانانمش را
نشان دهد و دیگری از جنگ
و خراب شدن خانه اش د و
قریه قصه میکند . مردی به
سماووزی که در چند قدم
از جلاد اشاره کرده

میگوید: «(برخورد به این) مسوولان برو و ببین که مردم چه قصه میکنند. اینجا از هر قسم مردم هستند اصلا شهر کهنه مرکز تمام ولایات شده است هر کس کافز ولایتی، از قریه ای کوچ میکند به اینجا می آید اتفاقی گریه میکند و غریب کاری را شروع میکند» و مردمی که خود را معلم معرفی میکنند میگوید: «(اینجا مسئله مسئله اقتصادی است، مسئله فقر است، مسئله بیکاری است. جنگ است و مسئله فرهنگ. نمیشود بایک جمل انحصاری تمام این مشکلات را حل نمود)» مردم دیگری میگوید: برادر گپ های متراخوب می فهمم اما (دولت) است و سرما. برف

است و باران بگویی بسند :
برای مابرق بامید ، سرخ ها
را جل اغفری کنید. آبر و
بکشید . ما مشکلات را درک
میکنیم . اما این راهم خوب
می بینیم که چطور هر جا که
مقامات حاضر اند نویسنده ها را
خانه دارند یک روزه خیلی کار
ها برایشان انجام می شود
اولی از ریختن چند لای
جمل و پودرن کثافات از این
جمل عاجز نه. برادر ! ما معنی
شعار ها را در عمل درک
میکنیم . این را احتساب نویسنده
که ما معنای سیاست را زیاد
نمی دانیم فقط می فهمیم که ،
نوده مردم هستیم و عمل
خواهیم .»
ناصر

ملاقات در پاکستان

مایکل از ما کو ستمخوان
وزارت خارجه امریکا برای
امور سیاسی که مصروف
دیدار از پاکستان میباشد،
پرویز از جله هفت رهبر
گروه های مخالف انقلاب
افغانستان مستقر در قلمرو
پاکستان، با پنج تن آنها
ملاقات کرد.

او ما کو ست همچنان با
عبدالستار معاون اول وزارت
خارجہ پاکستان ملاقات
کرده است، آنها در جریان
ملاقات روی مسایل مربوط
به کمک امریکا به پاکستان
برنامہ مذکور پاکستان،
وضع در منطقہ خليج صبحت
کردہ و توافق شدہ شد
مذاکرات خاتمہ و وضع
اطراف افغانستان
مصطفی داہمہ اند.
د ماکہ دستہ بمباران

رویس جیورج با کستان نیز ملاقات کرده است. طبق یک خبر دیگر دور دوم ملاقات میان مایکل از ما کوست معاون وزارت خارجه آمریکا برای امور سیاسی و عبدالستار معاون اول وزارت خارجه با کستان نذیروز دواسلام آباد انجام پذیرفت. طرفین در جریان ملاقات روی مسایل مربوط به منافع دو جانبه، روابط بین-امریکا با کستان، وضع دو خطه منطقه و کمک آمریکا به کستان صحبت کردند. آنها توافق کردند که به ملاقات شان سر در

نیز اعلامه دادند .
مایکل از ماکوست در ساعت
آخر دیروز با محمد خان
جو نیجو صدرا عظم پاکستان
نیز ملاقات کرد و با ویدر
بار ، مسایل منافع دوجانبه
تبادل نظر نمود .

افشای اعمال خصمانه و ننگین

تیا حکاری ، کشتار ، غارت و قاچاق مواد مخدر ، و تصادمات مسلحانه ذات البینی در مبارزه به خاطر به اصطلاح سه نفوذ دیر یست که به شخصه فعالیت های گروه های ضد انقلاب افغانستون مبدل شده است .

گرو ه هائیکه در غرب به مثابه مبارزان آزاد بخواه شناخته میشوند ، این مطلب را روز نامه گاردین چاپ لندن ، پریروز نگاشته به اصطلاح اعمال قهرمانانه یکی از این گرو ه ها یعنی حزب اسلامی را مثال آورده .

سه ماه قبل بود که ایمن مبارزان آزاد بخواره ، انگلیس - سکر یز یپ کو - ویاک یک ژورنالست تلویزیونی انگلستان را که از روی احساسات ، اما بدون غیر قانونی به قلمرو جمهوری

افغانستان داخل گردیده ، غارت نموده او را به قتل رسانیده عقیده بر آنست که توجه این باندیت ها را سامانده آلا ت فلبمردار ی تلویزیونی به خود جلب کرده بود .

به قول همین روز نامه گریس خانم ژورنالست یاد شده امروز اصرار دارم که مجلس عوام پارلمان انگلستان و کنگره ایالات متحده امریکا این سوال را مطرح سازند که چرا همین ها داخل در را ، تو فیصل ساز ما نی به مصر میفرستد که از ربا بنده کافو قلاتان تشکیل شده است .

روز نامه مینو یسد : امبا همین گرو ه است که از مساعدتهای مقامات پاکستان و کشور های غربی از همه بیشتر برخوردار میباشد .

چنانچه گرو ه هائیکه کلک امریکا که توسط کنگره آنکشور به تخصیص داده شده و بالغ به (ششصد) میلیون دالر میشود ، صمیم بیشتر به دست آورده است ، همچنان همین جز به اسلامی او این گرو ه از گرو ه های هفت گانه ضد دولت افغانستون است که راکتپاتی ضد طیاره نوع مستنکر را دریافت داده است .

طرف دیگر همکاری ژنرال حسین حزب بایو لیمس با گستاخی نیز چنان نزدیک است که اجازه دارد تا مردم را در سرزمین آنکشور و بازداشت نماید .

روز نامه خاطرنشان میسازد : حزب اسلامیت خود سوار ل های تلافی و زنده یان دارو و به اجبرانی محاکم می پردازد و حتی انسانهارا غلام میکند .

تمديد دورہ خدمت سربازی

دور و دلمت صبر باز
در ایران از آن دو سزا لایه ۷۸
تو هم یکه با فتنه امیست
آزادس خبر یاسو شتیست
برس از قول راندو شور
گزراش ج داد که فین صمیم
از جانب شوروی از عالمی
آنگوشر اتخا داگرتیست
یک نظام شوروی یادش
خاطر نشان ساخت تمهید
چهار ماه در خدمت دور
سر بازی تا زمان پیا
یافتن جنگ ایران به عراق
ساخته بود همد

گشایش کنفرانس حقوق بشر

کنفرا نسی پیرا من حقوقي
شهر و همکارى بين المللى
بر ولايت زيلنده ها لنده
رو پرو و گشايي يا فلت
دنياي کنفرا نسی شخصيت
نماي بر حسته اجتماعي
مياناسي و مذهبي اعضا ي
ر لمان ن ها و اولاد صفتها
پرو ه کشور اشتراک داران
آنها در اين کنفرانس که
سه روز دوام مييابد روزي
سايل مي بو ط به منا سبت
سرق و غرب دو عر صفت
شهر ي تقويت اقتصادي و
سايل اجتماعي عسسي بحث
رو هفت صفت

بنگلہ دیش۔ اوج گیری جنبش دموکراٹیک

دیده. رژیم حاکم به خاطر
و نمائندگی جنبش مع-
ای تیک و جلوگیری از
ارو اعتراضات فزاینده
د.م. علاء، بر سر ایام
شکریه. گام دیگری در
پشت بر چیده شد. اقل
ت دموکراتیک در داشت
نهاد در پنج شهر بزرگ
کشور بشمول داکه و
سر تاسر آن کشور قرار
ینا در گشت و گزارش
س نمود.

اقدامات خصومت بار فوق
از يك جهت تقويض حقوق
دوگرا تيك مردم و از جهت
ش افزايش قدرت تير و
ي مسلم و نظامي رانندگي
شد، نه تنها جلو رشد و
پيشرفت جنبش دموگرا تيك
گرفته نتوانسته است،
بلکه بيشتر از پيشي باعث
جنگي اعراضا توسيع
م د به خاطر اعاد دعو
امی گردیده و اين امر
بذير بيروزي مردم راهبري
اعاد حقوق دموگرا تيك
مق ساي تقاضا های شان،
تقابل رژيم حاكم، بيشتر
پيش حتميت می بخشد.

قزاق گرفت و طعمه حریص گردید. علاوه تا حزب حاکم چنانچه به خاطر بدنام سازی، جنبش و فراهم آوری زمینه جهت وارد کردن ضرر به بلای آن، تدابیر وسیعی را در زمینه برآه انداختن انفجارات و وبه آتش کشیدن در مراکز دولتی عملی نمود. این اقدامات بیشتر از پیش باعث خشم و انزجار مردم گردید و منتج به آن شد که ابعاد مبارزات مردم واحزاب سیاسی بنگله دیش گسترش بیشتری یافت. این مسئله اعتراضات مردم علیه رژیم را افزایش داد و این سیر صعودی باعث اوج گیری بحران در اقتصاد آن کشور، یعنی وارد آمدن خساره بیشتر از یکینیم میلیارد تا که (واحد پول، بنگله دیش) از تاریخ دهم اونی بیست و چهار نوامبر گردید. این ضرر به که مستقیماً زنده گی مردم را متحسّر را تحت اثر قرار داد، اگر از یکجانب از جارجا مردم و احزاب سیاسی را بیشتر از پیش برافروخت، از جانب دیگر باعث توسعه بحران در دستگاه دولتی بنگله دیش شد.

بیش از (چار هزار و هشتصد و سی و دو) نفر را که در اعتراضات علیه رژیم سوسیالیست و در ترکیب آنها علاوه بر دهریان و فعالان احزاب سیاسی، اعضای پارلمان منحل شده، ننگل‌دیش نیز شامل بودند، توقیف نمود است. افزون بر این در نتیجه برخورد های کمپانی واحد های مسلح دولتی و مردم صوالت گرفته است، که ایستادگی چار نوامبر ۱۹۸۷ بیش از دو هزار و یکصد و چهل نفر زخمی و به ده هانف کشته شدند. دستگاه حاکم ننگل دیش به منظور جلوگیری از توسعه و گسترش این جنبش، ابتدا فعالیت حزب کمونیست و سه حزب دیگر مترقی آن کشور را تحریم سپس این شیوه را در فورس سایر نیرو های سیاسی دموکراتیک و میانه رو اوج یسیون دولت بکار بست بدین ارتباط و به خاطر افزایش اختناق، دفاعی تر مرکزی احزاب کمونیست، عوامی لیک، و ننگل دیش کرشیاک سرامیک عوامی لیک مورد هجوم واحد های مسلح رژیم

رؤیم بنگله دیش و حزب
 «جنتا» به تعقیب اعلام و
 اضطرابی و انحلال پار
 اقدامات وسیعی را به منف
 متلاشی ساختن جنبش
 دموکراتیک آن کشور آث
 وعملی نمینماید. این جنب
 که روز تا روز ابعاد وسیع
 بر خود دار میگردد. در مبارز
 خویش بخاطر مطالب
 دموکراتیکشان. عدالت را
 تقاضا استغاث رئیس جم
 و تدویر انتخابات دموکرات
 و آزاد در آن کشور تا قی
 وروزد. رؤیم حاکم بنگله
 به خاطر متفرق ساختن
 جنبشی که در آن اتحاد
 هشت حزب، هفت حز
 پنج حزب و جماعت اسلام
 بشمول نیروهای مترقی
 دموکراتیک بنگله دیش بق
 محوری را ایفا مینمایند، ق
 وبعد از تاریخ ذمه نوا م
 طی آن مینایست شهر دا
 اشغال و استغاثی رئیس
 جمهور تقاضا گردد. تدا
 جدی سرکوب گرانوخبش
 نتایج را اتخاذ و بهمنص
 عمل بگذارد.

رؤیم و حزب حاکم بنگله
 دیش از آغاز نوا می
 ساجاری الی. و آخر آ

را منتفی دانسته اند
سی.بی.اس. خا طرنش
می سازد که موجودیت گروهی
بزرگ قوای بحری ایالات
متحد، آمریکا و عملیات آن
ها را نه به ارزش بیست
میلیون دلار یک بار سنگینی
به دو ش وزارت دفاع آ
گفته می باشد.

تولوزیو ن سسی بی اس بی
قول از ما موران آدله ریگری
خاطر نشا نمیسازد که با آنه
کا هشی تدریجی نیروی
در یانی امریکا در منطقه خلیج
در ماه های آینده نشا نه کلام
تضیری در سیاست امریکا
آن منطقه بوده نیشوا شد

ه‌کننده‌گان

مهاصره و تلاش در
بلاکهای مسکونی افده
دارد، تجاوزگران اسرائیلی
چندین نفر را زانلانی کرده‌اند.
از تاریخ نهم حسا مبراسا
گرفته زانلانی کار زار
وسیع و بی سابقه فلسطینی
ها علیه تجاوزگران اسرائیلی
در قلمروهای اشغالی آغاز
گردید، اشغالگران نیست
و نهم نفر را گشته اند.

روانلریکی رئیس جم
ایالات متحده امریکا تصوی
گرفته تا تمدای اؤکش
های جنگی آنکشور را
منطقه خلیج فرا خوا
شبکه تلویزیونی سی.بی.
امریکا اذقورل مطبوع
ویکی گزارش مید حدکام
که تارکاز کی

خلیج را ترک گوید، گشت
هیلیکوپتر بر دار موسو
بلا و کینا را خواهد بود
ما مویرن امریکائی -
تلویزیون سی. بی. اس. اظم
داشتند: که تملدی ازما
ین روهای امریکائی درخبل
ضرورت استفاده ازهیلیکوپ
های مستقر در گشت (اکسپان)

برمط‌ها

اسرائیل در جریان برخورد با طاهر، کشته‌ها را زخم بر داشتند و عساکر اسرائیل تاهنو اکثریت مناطق بر نفوذ را در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه در محاصره داشته و در جاده‌های منطقه واحد های تیر و عساکر اسرائیل و نیرو امنیتی گز، مه مینا بند

ی جنبش د

قرار گرفت و طبعه حریص گردید. علاو تا حزب حاکم جنتا به خاطر بدنام سازی، جنبش و فراهم ی زینه جهت وارد کردن ضرر به یادی آن، تدابیر وسیعی را دوزینه برآه انداختن انفجارات و به آتش کشیدن مراکز دولتی عملی نمود. این اقدامات، بیشتر از پیش باعث خشم و انزجار مردم گردید و منتج به آن شد که ابعاد مبارزات مردم و احزاب سیاسی بنگله دیش گسترش بیشتری

یا بد. این مسئله اعتراض مردم علیه رژیم را افزایش داد و این سیر صعودی باعث اوج گیری بحران در اقتصاد آن کشور، یعنی وارد آمدن خساره بیشتر از یکسی میلیونارد تا که (واحد پول، بنگله دیش) از تاریخ دهم الی بیست و چهار نوا میسر گردید. این ضرر به که مستقیماً زنده گی مردم ز حثت کشش را تحت اثر قرار داد، اگر از یکجا نب انزجار مردم و احزاب سیاسی را بیشتر از پیش برافروزخت، از جانب دیگر باعث توسعه بحران در دستگاه دولتی بنگله دیش شد.

بیش از (چار هزارو هشتصد و نود) نفر را که د اعتراضات علیه رژیم سوسیالیستی در ترکیب آنهاباشند و بر دهریان و فعالیناجزای سیاسی، اعضای پارلمان منحل شده ننگلدیش نیز شامل بودند، توقیفنموده است. افزونبر این در نتیجه بر خوردهای گمیاهای واحد مسلح دولتی و مردم صودت گرفته است، تا بیستو چار نوامبر ۱۹۸۷ بیش از دو هزارو یکصد و چهل نفر زخمی و به ده هانفکشته شدند. دستگاه حاکمانگلدیش به منظور جلوگیری از توسعه و گسترش این جنبش، ابتدا فعالیت حزب کمونیست و سه حزب دیگر متزقی آن کشور را تحریم سپس این شیوه را در مورد سایر نیروهای سیاسی دموکراتیک و میانه رو اپوزیسیون دولت بکار بست بدین ارتباط و به خاطر افزایش اختناق، دفاعی تر مرکز احزاب کمونیست، عوامی لیک، و ننگله دیش کرشیاک سرامیک وادی لیک مورد حمله و اذیت های مسلحانه

بنگله دیش

رؤیم بنگله دیش و حز
 «جنتا» به تعقیب اعلام
 اضطراری و انحلال پار
 اقدامات وسیعی را به مق
 تلاشی سا ختن جنبش
 دموکرا تیک آن کشور ا
 وعملی مینماید. این جنب
 که روز تا روز ابعاد وسیع
 بر خود دار میگردد. دمو
 خوی پش یخا طر مطا لب
 دموکراتیک شان. عملیات
 تقاضا استعفی رئیس جم
 و تصویب انتخابات دموکرات
 و آزاد در آن کشور تا کید
 ورزد. رؤیم حاکم بنگله
 به خاطر متفرق سا ختن
 جنبشی که در آن اتحاد ه
 هشت حزب، هفت حزب
 پنج حزب و جماعت اسلام
 بشمول نیرو های مترقی
 دموکرا تیک بنگله دیش تق
 محوری را ایفا مینماید. و
 بعد از تاریخ دهم نوا مبر
 طی آن میبایست شهر دا
 اشغال و استعفا ی رئیس
 جمهور تقاضا گردد. تدا
 جدی سر کوب گرا نوخشی
 نتایج را اتخاذ و به منص
 عمل بگذارد.

رؤیم و حزب حاکم بنگله
 دیش از آغاز ماه نوا مبر
 ساجاری الی. و آخر آ

گرگ سید

راویان آثار و ناقلان اخبار آوردند که در روزگار کنونی روستایی بود آبادان، ما مون از آفت زمان و غارت دوران، چون عروس آراسته و چون سرو پیرا سته، اطراف فتنه جنگلی از درختان شاداب رسته و از درو دیوار شیشه زهرین جسته.

قصه روزگاری گرگ سید خون آشام در حومه جنگل پدیده آمد از صبح تا شام به صورت تلی الدوام به حیوانات چرند و حمله آوری برخی را در پدی و جمع را شهرک گلو بریدی، ساکنان روستا که از گزند در نند.

از دست رفته، ناچار راه روستا در پیش گرفت و به خیال اینکه در مرغانچه ویا اسطبل پناهنده شود تا فرصت نجات آماده گرددولی دید در هابسته و شیشه فرصت شکسته و اندرانجا گربه ای بر سبیل عادت رو با آفتاب نشسته است.

گرگ سید چون جنایت کاران نور شکسته لب به تملق و تضرع کشود و گفت: ای نوه شیران و وارث پلنگان تو که محرم روستا صیانی وانیس دوستان صاحب لی بمن نما که بوی پناهنده شوم و راه نجات تیکه آنرا جوینده.

این همه غوغا به قصد جان منست و مرگ ناخوانده مهسان من، مرگ درد آور است و بدین افتضا حرد آور تر، گر به از لایه جنا پیکار پیر سر نرمی گرفت و راه گر می و گفت: در پایان روستا پناهنه عزیز نجار شود تا رستگاری یابد و دل قراری. گرگ سید چون بید بر خود لرزید و فریاد کشید: هیبت که دیروز در راه نجارت بر خود بریده. گربه از دگران نام برد ولی پلا سید یکی را گو ساله کشته، آن دگری را گو سینه دریده.

دزد شهبان کر!

از لطایف الطوایف

شخصی پیش قاضی آمد و بر کسی دعوی کرد، قاضی از او گواهی طلبید، مدعی میگوید: من را یکبار کسی از راه دور و پرسید که هیچ سالیه میدانی؟ گفت آری که کفرج نتوان کرد، پرسید که قرآن میدانی؟ گفت بده قرآن را پرسید که هرگز مرده شوی کرده می؟ گفت آن خود هنر آبا واجداد منست، پرسید که چون مرده را بشوی و کن کنی و در تابوت نهی چه میگوید؟ گفت گویم خوش من ترا که بر روی و جان بسلا مت بردی تا ترا پیش قاضی نیا یاد شد و گواهی نباید داد.

عشقست و مفلسی و...

باز دجیغان از چو اوت خطاست از چه بسدست دوسه عکس (تلاست) یکسو زنی داد ز بسی پیستی یکسو چو غولان بکنی هوز و گسی نیم شکم از مفلسی استی همیش میخی و فوتوی (تا) و (مو کیشی) آب کنی بهر چه پیچادلت چیست ازین عکس خری حاصلت؟

عکس دل آویز و صفا منظره دلبردی ای دجی شامسره! زنده گی بی عشق ندارد نیک عشق سر دداشت چو من کم کمبک من نه ز عشقم چو خودت دل زده تسانب آدینه دو م دهکده صوفی شوم صوفی لک ناعلاج مسلک خود را بنمایسم رو ا ج.

استی دجیغان تو (پچل هتله فیم) نیست خودت را بفکرت هیچ وحم کی بتو گفتم که تو بی لوق شو یا که تو به بین فلان شوی شیو گفت اما که در این نزدیکی چون خری یک عکس بچشم من دو م؟ از کتاب: کفن خنده

آدرس ندارد!

رئیس مؤسسه: ا سر صیب اطلاعات میر سه که خانم تا ن هم چندین بار می رسد که بخوا طراجر می کار های خان نه از مو تر مو سسه استفاده میکند.

سر: او پیچه پیاده چطور میایی از افشارتا ایچه بسیار را می رسد ل خان: آمر صیب خی دلت اس که ده سرو پس که ده مو تر دیدن بخدا قسم به وظیفه رسیده نتا نس.

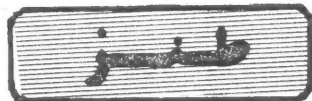
منطقه

سعد الدین یگانا نویسنده شهر ما بود. او همواره داستان های کو تا و بری کودکان و نو جوانان مینوشت همیشه می گفت که داستان هایش را در بزرگسالان نیز میخواند.

مردم شهر ما و رادوست داشتند و در اکثر محافل که برا می افتید، او را در جله اعضای هیات رئیسه انتخاب میکردند.

اگر منتقدین ادبی نمی بودند، او تا اکنون به نوشتن داستان های کو تا و خود ادا می میداد.

منتقدین در شهر ما سه تن بودند: قاسم، عبداللطیف و نواب جان، ماجراجو ترین شان نواب جان بود. او بود که در یکی از مقالمه های خود برای اولین بار چنین نوشت:



سعد الدین خان در جراید و روزنامه ها به تشریف میر سید ولی از زمان او خبری نبود. منتقدین شهر که دیدند نواب جان در زمان سید و قاسم طبعات در شهر به چشم نمی خورد، دست به قلم بردند و مقالاتی نوشتند. قاسم در مجله جوانان،

وضع ما کولات

تا که ماکول ما فزون شده است مزه از نالمانا برون شده است گر شوی مهمان به قشربا شوی آگه ز حال ابر ما در بلو سنگ و موی می پیسم سردورا دا نه دانه میچنسم تا شود نان به میل اشکمما

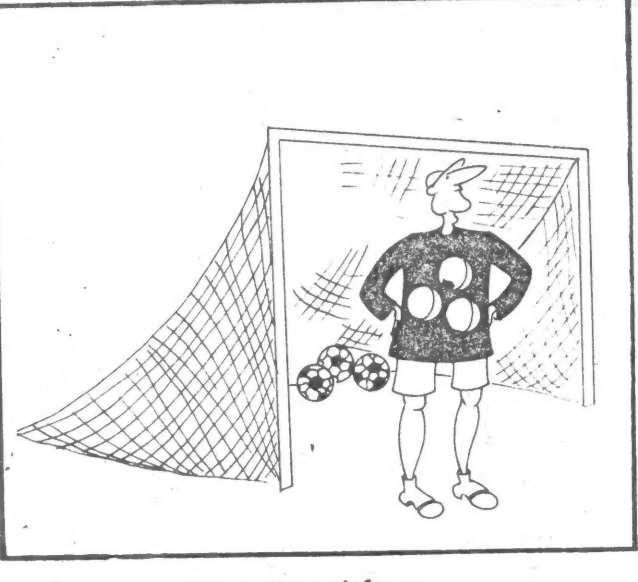
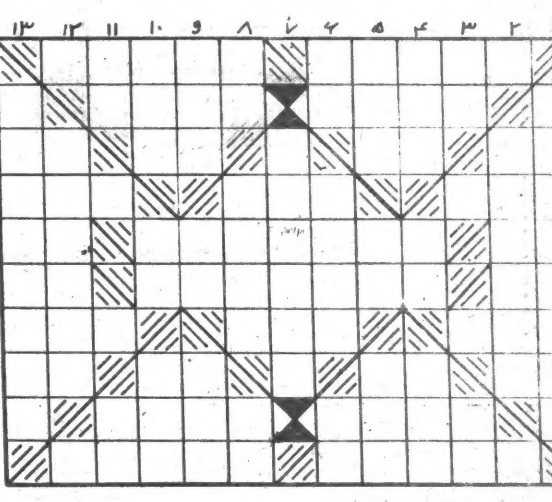
وای از این دیگ نان بی دم ما چه بگویم ذوال بسی و غن که بودی ب نول ذاع و غنن گر شود سنگ زیر دندانست بیکند از پلو پشیمانست شالی و دانه شمشاد و ست تلو بوجی و چوب لقا در پوست گوشت چرمین و لوبیا بدبوی شو لهید خود و آشپز بد خوی بس شکایت ازین و آن کردیم میل بهبود وضع نان کردیم لیک معلوم شد که هیبتما مید هاشکوه را به به باد هوا وای ازین هیبت غریبماری که بماند جفا کاری هیبت از حق ما زوانلوزد کیسه زود است و کیسه می دزد پول ماکول ما حیرا مشربد و آنچه خورده است زهر کا مشربد حشمت تاپ

جدول کلمات متقاطع

۱- ختم پایان - از امر غرض ناپذیر
۲- جاوید وایدی - خلا فشمسیر
۳- سلطان بدن - چهره کافی - وسیله ترانسپورتی
۴- یکی از وسایل شکار - مترادف ناموس - پایان کفر
در شطرنج
۵- پرو فیسور حیوانات - یک از پیغمبران - از آهو بهتر است
۶- نفس - یکی از صدرات عظمای بنام پروس - سند خرید
۷- حامی آن خطرناک است - ولی پریشان در - موتوررو
۸- عددی است - اشار به دور از کلمات در - کلمه ندا
۹- غلاب پرند - خوش الحان
۱۰- زنگ - بسر بردن

همودی:

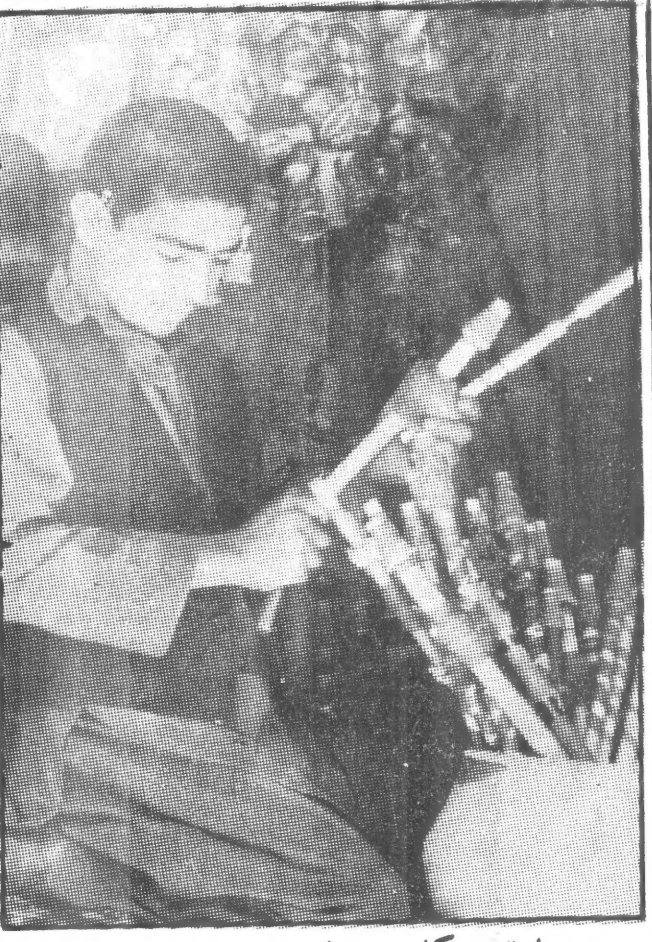
- ۱- یک نوع حکومت
 - ۲- همه روزه
 - ۳- تار - بیخ
 - ۴- می زند و خبر میکنند - مایه حیات - قصه - جوی خون
 - ۵- یکی از میوه ها - زاهدان - صدا
 - ۶- یکی از حالات بحر - آفتابی - همه
 - ۷- از یاد رفته
 - ۸- انداز - عمر - کارکن و خستگی ناپذیر - حیرا
 - ۹- دریا و تزویر - خبر - سر - رنج و غم
 - ۱۰- بی مو است و در حمام مورد استفاده - دارد - صد
 - ۱۱- هزار - اطلاع و آگاهی
 - ۱۲- مادر - حرف نفی
 - ۱۳- اینم نوعی ترانسپورت است
 - ۱۴- دارایی ها و بدست آورده کی ها
- طرح از فریور



بدون شرح

دو حاشیه جام جهانی

عکس: آقای مصداق را به خطا بفرستد بزن و تو برای یک لحظه!



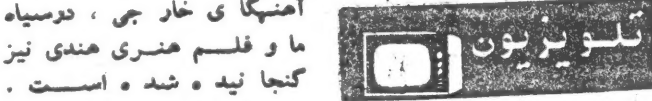
سما بده عکاس ح. ا. ث. در کار خود می اندیشد یا ... عکاسی شریف لطیفی

بخوانید و بدانید!

ما می رنجاند، به هر صورت اگر گپ را کلان نگردد. باشیم بر نامه های روزهای فقط روز نامه های روزهای پنجشنبه گذشته را پیدا کنید به ادیتور برای شما چه انتخاب نموده است.

ما می رنجاند، به هر صورت اگر گپ را کلان نگردد. باشیم بر نامه های روزهای فقط روز نامه های روزهای پنجشنبه گذشته را پیدا کنید به ادیتور برای شما چه انتخاب نموده است.

ما می رنجاند، به هر صورت اگر گپ را کلان نگردد. باشیم بر نامه های روزهای فقط روز نامه های روزهای پنجشنبه گذشته را پیدا کنید به ادیتور برای شما چه انتخاب نموده است.



مدیرمسئول: ۶۲۴۷۴ سکرترمسئول: ۶۲۶۱۴ شعبه اطلاعات: ۶۱۱۱۸
معاون اول: ۶۱۴۵۸ شعبه نامه ها: ۶۱۷۰۳ سوچسور: ۶۱۸۷۸

تحت نظر هیات تحریر
مدیرمسئول: م. ح. باری شفیعی
تلفون: ۶۱۴۵۸

چاپ و پخش: انتشارات مطهر
قیمت یک شماره: ۲۰ افغانی
صندوق پستی: ۶۲۸۵۹
حساب بانکی: ۹۱۰۱۸